

## زیبایی‌شناسی عنصر پیرنگ رمان‌های ایرانی دهه‌ی هشتاد

(مطالعه‌ی موردی در آثار منتخب از زویا پیرزاد، سید عباس معروفی و منیرو روانی پور)

جلال براری<sup>۱</sup>

دکتر محمدرضا اسعد<sup>۲\*</sup>

دکتر محسن ایزدی‌ار<sup>۳</sup>

### چکیده

زیبایی‌شناسی پیرنگ، در کنار شخصیت‌پردازی، یکی از عناصر مهم و تأثیرگذار رمان است. در این پژوهش زیبایی‌شناسی عنصر پیرنگ رمان‌های منتخب از سه نویسنده‌ی معاصر (سید عباس معروفی، زویا پیرزاد و منیرو روانی پور)، بر مبنای ساختار آن (شروع و پایان‌بندی داستان، کشمکش، گره‌گشایی، تعلیق و...) مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. هدف مهم این پژوهش بررسی مقایسه‌ی زیبایی‌شناسی و میزان کاربست تکنیک‌های ادبی در انواع طیف پیرنگ رمان‌های منتخب دهه‌ی هشتاد است. این پژوهش از نوع تحقیق نظری است که با رویکرد توصیفی – تحلیلی انجام شده است. در بخش توصیفی اطلاعات از طریق اسناد، منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی گردآوری شده است و در بخش تجزیه‌وتحلیل محتوا، زیبایی‌شناسی عنصر پیرنگ رمان‌های منتخب مورد مطالعه‌ی دقیق قرار گرفته است. با مطالعه‌ی زیبایی‌شناسی عنصر پیرنگ رمان‌های منتخب و تأکید ویژه بر ساختار آن، این نتیجه حاصل شده است که زیبایی‌شناختی پیرنگ رمان‌های منتخب در طیفی به پنج نوع قابل تقسیم است: پیرنگ پیچیده با استفاده از تکنیک‌های ادبی؛ پیرنگ پیچیده بدون استفاده از تکنیک‌های ادبی؛ پیرنگ متوسط؛ پیرنگ ساده با استفاده از تکنیک‌های ادبی؛ پیرنگ ساده بدون استفاده از تکنیک‌های ادبی. بر اساس این پژوهش می‌توان ادعا کرد کاربست زیبایی‌شناسی در پیرنگ رمان «پیکر فرهاد» سبب ایجاد پیرنگ پیچیده با استفاده از تکنیک‌های ادبی فراوان شده است. در رمان‌های «ذوب شده» و «فریدون سه پسر داشت» پیرنگ رمان‌ها پیچیده بدون استفاده از تکنیک‌های ادبی قرار دارد. رمان «کولی کنار آتش» رمانی با پیرنگ متوسط است. رمان‌های «تماماً مخصوص» و «چرخ‌ها را من خاموش می‌کنم» رمان‌هایی با پیرنگ ساده با استفاده از تکنیک‌های ادبی است و در نهایت رمان «عادت می‌کنیم» دارای پیرنگی ساده، اما بدون استفاده از تکنیک‌های ادبی می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** رمان، پیرنگ، ساختار و زیبایی‌شناسی.

---

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

Email: J.barari@gmail.com

۲. استادیار گروه زبان ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران (نویسنده مسئول)

Email: asad.mohammadreza@yahoo.com

۳. استادیار گروه زبان ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

Email: izadyar.mohsen@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۵

تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۰۶/۲۶

## مقدمه

ادبیات داستانی، بسیاری از جذابیت‌های ادبی، ذوقی و هنری خود را از عنصر پیرنگ و شخصیت‌پردازی آن، به دست آورده است. اهمیت چیدمان مطلوب عنصر پیرنگ و ساختار آن، ارتباط مستقیمی با مخاطب اثر برای مطالعه و خوانش داستان دارد. با توجه به اینکه پیرنگ یکی از عناصر متعلق به ژرف‌ساخت رمان است، بررسی زیبایی‌شناختی این عنصر و مقایسه‌ی میزان به کارگیری تکنیک‌های ادبی در هر یک از آثار منتخب می‌تواند وجه تمایز هر یک از آثار را مشخص نماید. در دهه‌ی هشتاد، عنصر پیرنگ داستان دست‌خوش تحولات ژرفی شده است؛ با بررسی زیبایی‌های ادبی عنصر پیرنگ و ساختار آن می‌توان دریافت مناسبی از میزان توانمندی نویسندگان در به کارگیری تکنیک‌های ادبی هم‌زمان با گسترش رمان مدرن و پست‌مدرن به دست آورد. آنچه تاکنون در منابع، مآخذ و کتب از جمله در کتاب‌های عناصر داستان (صادقی)، داستان کوتاه در ایران (پاینده)، قصه‌نویسی (براهنی)، رستاخیز کلمات (شفیعی کدکنی) و... به‌عنوان ویژگی‌ها و ممیزات رمان مطرح شده، عبارت از بیان روایی، تلاش و کوشش بین نیروهای متضاد، رابطه‌ی علی و معلولی بین حوادث و سازگاری عواطف و افکار است. دریافت ژرف‌ساخت رمان ارتباط تنگاتنگی با این مفاهیم و ممیزات دارد و مهم‌ترین اصطلاحی که بسیاری از منتقدان با «داستان» در ارتباطی بسیار تنگاتنگ معرفی می‌کنند «پیرنگ» است. در واقع، چنین به نظر می‌رسد که این دو اصطلاح (رمان و پیرنگ) بدون وجود دیگری قابل تعریف و یا حداقل «توصیف‌پذیر» نباشند. نقش زیبایی‌شناختی پیرنگ در رمان (مدرن و پست‌مدرن) نقشی اساسی است. در واقع، در میان عناصر رمان، آنچه نقش اساسی و پررنگ‌تری دارد، عنصر «پیرنگ» و «شخصیت‌پردازی» است. با توجه به سیر تحولات عنصر پیرنگ و اجزای آن، در این مقاله هدف اصلی بررسی زیبایی‌شناسی عنصر پیرنگ و ساختار آن در رمان‌های منتخب دهه‌ی هشتاد، در ادبیات داستانی معاصر است تا بر مبنای سبک و شیوه‌های رمان‌نویسی، زیبایی‌های ادبی کاربردی عناصر پیرنگ رمان‌های منتخب مورد تجزیه، تحلیل و بررسی قرار گیرد. در این پژوهش تکنیک‌های ادبی و زیبایی‌شناسی پیرنگ هفت رمان از سه نویسنده‌ی معاصر به صورت مجزا و تفکیکی تجزیه و تحلیل شده است.

با نگاهی به ادبیات داستانی ایران از دوره‌ی مشروطه تا عصر انقلاب درمی‌یابیم که رمان‌نویسی در ایران، دوره‌های مختلفی را با فراز و فرود اوضاع سیاسی و اجتماعی پشت سر گذاشته است. دهه‌ی چهل تا پنجاه اوج شکوفایی و گسترش دستاوردهای ادبی و هنری بوده است. آثار بزرگانی همچون چوبک، آل‌احمد، گلستان، صادقی، ساعدی و... در این دوره چاپ و خوانده شده است؛ در نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۶۰ نیز شاهد شکوفایی رمان و رمان‌نویسی بوده‌ایم و تا دهه‌ی هفتاد نیز ادامه پیدا کرده، در دهه‌ی هشتاد نیز رمان‌نویسی مدرن با رویکرد انتقادی آغاز شده است.

دهه‌ی هشتاد، عرصه‌ی ظهور رمان مدرن و پست‌مدرن در ادبیات داستانی ایران است که با تحوّل شگرف در عرصه‌ی پیرنگ و البته سایر عناصر رمان همراه شده است. ادبیات داستانی، خصوصاً گرایش‌های مدرن و پست‌مدرن، در ایران سابقه‌ی چندانی ندارد. به‌رغم نوپایی و نوظهور بودن این گرایش‌ها، رمان‌ها و داستان‌های کوتاه متعددی در این شیوه‌ها نگاشته شده و از این راه بر غنای ادبیات داستانی افزوده شده است. اولین نویسندگان ایرانی که نوشتن به سبک و سیاق پسامدرن را آغاز کردند، نویسندگانی بودند که هم مدرن می‌نوشتند و هم پست‌مدرن. از این‌رو عناصر رمان (پیرنگ، شخصیت، معنا، روایت و زاویه‌ی دید) در دهه‌ی هشتاد با تحولات ژرفی همراه بوده است. حتی بسیاری از آثاری که در دهه‌ی ۷۰ نوشته شده بودند، تنها در دهه‌ی ۸۰ مورد خواندن و نقد جدی قرار گرفتند. در نقد ادبی داستان کوتاه با «حال‌وهوا»ی کلی و رمان با عنصر «پیرنگ» مشخص می‌شود؛ پس زیبایی‌شناسی عنصر پیرنگ عامل مهمی در رمان است که علاوه بر تمایزگذاری میان رمان و داستان کوتاه، در دهه‌ی ۸۰ با ورود رمان‌نویسی مدرن دچار تحولاتی شده است. آنچه اهمیت دارد این است که این تغییرات در پیرنگ چگونه بوده و چه تأثیری در رشد و تحول ادبی و ذائقه‌ی مخاطبان داشته‌اند؟

باید توجه داشت آنچه نویسندگان عنوان شده را از دیگران متمایز می‌کند به عواملی چون جریان سازی در ادبیات داستانی، سبک خاص و نوآورانه، پیرنگ‌های متفاوت از یکدیگر و در نهایت میزان چاپ آثار آنان در دهه‌ی هشتاد و نود برمی‌گردد.

## سابقه و ضرورت تحقیق

به گفته‌ی اغلب پژوهشگران در حوزه‌ی ادبیات داستانی، از بین عناصر داستانی، پیرنگ یا طرح یکی از شاخص‌ترین و مؤثرترین عناصر داستان است، پیرنگ، نقشه‌ی کار یا رئوس مطالب یا چارچوب اساسی داستان است. بررسی و تحلیل زیبایی‌شناسی پیرنگ رمان‌های منتخب نشان خواهد داد که نویسندگان دهه‌های مختلف، خصوصاً دهه‌ی هشتاد، از چه تکنیک‌ها و ابزارهای برای تحوّل ادبیات داستانی مدرن بهره برده‌اند؟ چه تفاوتی میان ساختار و اجزای پیرنگ (از جمله شروع و پایان داستان، کشمکش، شیوه‌های تعلیق و گره‌گشایی و...) میان ادبیات مدرن داستانی با دهه‌های پیشین وجود دارد؟ از طرف دیگر، بررسی زیبایی‌شناختی پیرنگ نشان خواهد داد که کدام نویسنده تنوع بیشتری در شیوه‌های نوآوری داشته و تا چه اندازه مقلّد دیگران بوده است؟ از میان پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ریحانه برادران (۱۳۹۶)، در پایان‌نامه خود با عنوان «الگوهای پایان‌بندی در داستان‌های زویا پیرزاد» با نگاهی به نظریه‌ی پایان فرانک کرمود به این نتیجه می‌رسد که محتوا و پایان در رمان‌های پیرزاد ارتباطی معنادار دارند و همین موضوع موجب ایجاد «استحکام درونی پیرنگ و وجوه زیبایی‌شناسی» در آثار او می‌شود و ساده بودن زبان پیرزاد با پایان‌بندی‌های قطعی او همخوانی دارد.
- حسین پارسی فر؛ فرشته میلادی و ندا اسنقی (۱۴۰۱)، در مقاله‌ی «مطالعه‌ی مؤلفه‌های مدرنیسم داستانی در سه رمان عباس معروفی سمفونی مردگان، سال بلوا و تماماً مخصوص»، به این نکته اشاره دارند که معروفی با نگاهی به فرم‌های مدرن از تکنیک‌هایی مثل جریان سیال ذهن و تفکراتی که می‌توان آن را اومانیستی تلقی کرد، استفاده می‌کند تا رمان‌هایی مدرن خلق کند.
- مصطفی دشتی آهنگر (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل ساختارگرایانه پیرنگ رمان‌هایی از چهار نویسنده زن» نشان می‌دهد که وضعیت فرهنگی نویسندگان و تشابه آن، منجر به شباهت‌های ساختاری میان آثار آنان شده و به‌طورکلی الگوی پیرنگ در آن‌ها نیز مشابهت دارد.
- علی رحیمیان پور و حمید رحیمیان پور (۱۳۹۵)، در مقاله‌ی «زیباشناسی عناصر داستانی، سبک و پیرنگ در آثار داستانی منیرو روانی‌پور»، به این نتیجه رسیده‌اند که ساختار رمان‌های

روانی‌پور ثابت نبوده و پیرنگ در رمان‌هایش در طیف وسیعی از ساده تا پیچیده و از عینی تا ذهنی متغیر است؛ همچنین با تغییر فرم در محتوا نیز تغییراتی ایجاد می‌شود و به‌طورکلی زبان او، زبانی گاه ساده و گاه ادیبانه است.

- سمیرا ریزه‌وندی (۱۳۹۱)، در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «پایان‌بندی در رمان‌های پست‌مدرن فارسی» نشان می‌دهد که در اکثر رمان‌های بررسی شده مؤلفه‌های پست مدرنیسم وجود داشته و این موضوع خصوصاً در پایان‌بندی این رمان‌ها مشهود است.

- رضوان صفایی صابر (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان «نقد و تحلیل پیوند درون‌مایه و شگرد در رمان نویسندگان شاخص دهه‌ی ۸۰»، به این مهم دست یافته که نویسندگان زن به لحاظ فکری، دارای شباهت‌های زیادی هستند و تنها به لحاظ فرمی متفاوت بوده‌اند.

- علی عباسی (۱۳۸۵)، مقاله‌ای تحت عنوان «پژوهشی بر عنصر پیرنگ» انجام داده است که طبق آن بخش‌های مختلف روایت دارای پیرنگ خود است که در آن آغاز، میانه و پایان وجود دارد و این نظم درونی موجود، موجب خرسندی مخاطب می‌شود؛ چرا که نوعی آراستگی ذهنی و تعادل در او به وجود می‌آورد.

- فاطمه نگاری (۱۳۹۰)، پایان‌نامه خود را با عنوان «طرح در رمان مدرن» نوشته‌ی که با خواندن آن می‌توان فهمید که نویسندگان مدرن تحت تأثیر جریان سیال ذهن قرار دارند و این موضوع در رمان‌های مدرن به شکل‌های مختلفی قابل مشاهده است و نیز اشاره شده است که فقدان طرح مناسب چیزی است که برعکس رمان‌های کلاسیک در رمان‌های مدرن به میزان زیادی وجود دارد.

### پرسش‌های پژوهش

در این پژوهش برآنیم تا پاسخی برای این پرسش‌ها بیابیم:

- زیبایی‌شناسی پیرنگ و شخصیت‌پردازی در رمان‌های منتخب چگونه انجام شده است؟
- پیرنگ و ساختار آن در رمان‌های منتخب چگونه به کار گرفته شده است؟
- زیبایی‌شناسی ادبی در کدام آثار منتخب، بیشتر به کار گرفته شده است؟

- انتخاب پیرنگ‌های گوناگون در رمان‌های منتخب، سبب چه تحول ادبی شده است؟
- استفاده از انواع صناعات ادبی در پیرنگ رمان‌های منتخب، چه تأثیری بر چاپ و خوانش اثر داشته است؟

### روش پژوهش

این پژوهش از نوع نظری و به شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی در خصوص زیبایی‌شناسی عنصر پیرنگ در رمان‌های منتخب دهه‌ی هشتاد انجام شده است. نگارندگان ابتدا با مطالعه‌ی مجموعه‌ی آثار منتخب به نقش و جایگاه زیبایی‌شناسی ادبی پیرنگ و ساختار آن در رمان‌های منتخب پرداخته‌اند و سپس با در نظر داشتن مؤلفه‌های سبکی رمان‌نویسی نسبت به تبیین نقش زیبایی‌های ادبی در این آثار متمرکز شدند و زیبایی‌شناسی ادبی پیرنگ رمان‌ها را با استفاده از مؤلفه‌های سبکی رمان‌نویسی مورد بررسی و موشکافی قرار داده‌اند.

### مبانی نظری پژوهش

برای تبیین و بررسی رمان‌های منتخب دهه‌ی هشتاد از نظریات ساختارگرایانه استفاده شده که طبق آن ساختار پیرنگ مورد بررسی قرار گرفته، سپس طیف جدیدی از پیرنگ را توانسته‌ایم از آن استخراج کنیم. بی‌شک زیبایی‌شناسی عنصر پیرنگ در داستان نقشی حیاتی ایفا می‌کند؛ بدون آن، حوادث و کنش‌های داستانی رخ نمی‌دهند، شخصیت‌ها خلق نمی‌شوند، کشمکش‌ها به وجود نمی‌آیند، و گره‌های داستانی منعقد نمی‌شوند.

### رمان

رمان (Roman) از رمانس (Romance) قرون وسطی مشتق شده است و در انگلیسی به جای «رمان» واژه «Novel» را به کار می‌برند که برگرفته از واژه‌ی ایتالیایی «نولا» است. ارائه‌ی تعریفی جامع از رمان به دلیل وسعت و تنوع بسیاری که دارد، بسیار دشوار است. «بورنوف» از

منتقدین غربی در کتاب «جهان رمان» اذعان می‌دارد که «هر یک از تعاریف ارائه شده از رمان در طول چهار قرن گذشته، با آن تصویری هم‌خوانی دارد که نظریه‌پردازان در عصر خود از رمان داشته‌اند.» (بورنوف، ۱۳۷۸: ۲۳) با وجود این، می‌توان گفت که رمان، بیان روایی منثور است با تفصیلات درخور توجه و بغرنج معینی که به طور تخیلی با تجربه‌ی انسانی سر و کار دارد و «وسیله‌ی توالی پیوسته‌ی رویدادهایی که دربردارنده‌ی گروهی اشخاص در فضایی معین است.» (دستغیب، ۱۳۸۶: ۹)

### نسبت پیرنگ، قصه و داستان

همه‌ی اتفاقات روزگار ما می‌تواند، داستان دوران زندگی ما انسان‌ها تلقی شود؛ اما روش بیان آن داستان و میزان بهره‌گیری از زیبایی‌های ادبی در بیان داستان بسیار مهم است که چگونه ارائه می‌شود؛ نسبت پیرنگ و داستان در این است که در داستان رخدادها، اتفاقات و همچنین حوادث داستانی پشت سرهم روایت می‌شود؛ اما در پیرنگ به چرایی این رخدادها، پاسخ داده می‌شود. پیرنگ یعنی برای تمام رخدادهای یک رمان بتوانیم یک دلیل و سببیت بیاوریم و ذکر کنیم این حوادث به چه دلیلی واقع شده‌اند؛ چون در پیرنگ رمان و داستان هر حادثه که ذکر می‌شود باید چرایی و دلایل وقوع آن نیز بیان شود. به طوری که هر حادثه و اتفاق خود، علت حوادث دیگری باشد و حوادث رمان پشت سرهم و به صورت علت و معلولی بیان می‌شود. در این صورت پاسخ به چرایی حوادث و رخدادها، خود پیرنگ رمان خواهد بود.

### نسبت داستان و رمان

داستان، محصول آفرینش‌گری و تخیل نویسنده است و از این جهت داستان با متون دیگری از جمله تاریخ وجه تمایزی مشخص می‌یابد که همان ویژگی خلاقیت است. به عبارتی «داستان به هر اثر هنری منثور گفته می‌شود که بیش از آنکه از لحاظ تاریخی حقیقت داشته باشد، آفریده و ابداع نیروی تخیل و هنر نویسنده است. داستان‌های بزرگ، خواننده را برمی‌انگیزند که فکر کند، اما قصد

اصلی تمام داستان‌ها این است که به خواننده امکان دهند هر چه را در جهان داستان حس کردنی است؛ خود حس کند.» (ایرانی، ۱۳۸۰: ۴۸) داستان رمان نیست؛ اما رمان‌ها یک نوع داستان هستند و مشخصه‌ی اصلی آن‌ها، وجود رابطه‌ی علی و معلولی حاکم بر رمان است. رمان از زیرمجموعه‌های سبک داستان‌نویسی است که پیچیدگی‌های روایی زیاد و شخصیت‌های متعدد دارد. می‌توان گفت رمان «مهم‌ترین شکل تبلور یافته ادبی» دوران ماست.

### پیرنگ یا بی‌رنگ

پیرنگ از دو واژه «بی» در معنی شالوده، پایه و بنیاد و «رنگ» به معنای طرح و نقشه تشکیل شده است. بنابراین پیرنگ به معنای «بنیاد نقش» و «شالوده طرح» است. (ر. ک: میرصادقی، ۱۳۸۶: ۸۱) اصطلاح انگلیسی پلات (plot) با معادل‌های گوناگونی به فارسی ترجمه شده است که عبارت‌اند از: پیرنگ، طرح، چارچوب و دسیسه‌ی داستان. معمولاً اجزایی که برای پیرنگ در نظر گرفته می‌شود عبارت است از: گره‌افکنی (complication)، کشمکش (conflict)، تعلیق (suspense)، بحران (crisis)، نقطه اوج (climax) و گره‌گشایی (reversal). ارسطو تعریف صریحی برای پیرنگ داده است و پیرنگ را ترکیب‌کننده‌ی حوادث و تقلید از عمل دانسته است. ارسطو معتقد بود در هر تراژدی جزئی است که عقده نام دارد و جزئی دیگر هم هست که عبارت از عقده‌گشایی است.

### ساختار پیرنگ رمان

#### گره‌افکنی

ارسطو گره‌افکنی را وقایعی می‌داند که از آغاز داستان تا پیش از تغییر بخت قهرمان (از نیک‌بختی به بدبختی و بالعکس) رخ می‌دهند. در ساخت نمایش و داستان، آن بخش که از آغاز عمل تا نقطه‌ی بحران، یعنی گره‌گشایی ادامه می‌یابد، گره‌افکنی گویند. گره‌افکنی، «به هم انداختن حوادث و اموری است که پیرنگ داستان و نمایشنامه و فیلم‌نامه را گسترش می‌دهد.» (ر. ک: میرصادقی، ۱۳۸۶: ۲۹۵؛ نیز: محمودیان، ۱۳۸۲: ۹۷)



## گره‌گشایی

گره‌گشایی یکی از مؤلفه‌های مدرنیستی در عرصه‌ی رمان است. در رمان مدرن ممکن است برخلاف داستان‌های کلاسیک، گره‌گشایی صورت نگیرد و کار تفسیر و پایان داستان بر عهده‌ی مخاطب گذاشته شود که اصطلاحاً به «پایان باز» و «فرجام‌گریزی» معروف است. این شیوه، به‌رغم مخالفانی که ممکن است داشته باشد، در رمان مدرن به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مدرنیستی در ساختار پیرنگ و گره‌افکنی شمرده می‌شود. گره‌گشایی «پیامد وضعیت و موقعیت پیچیده با رشته‌ی نهایی حوادث است و نتیجه‌ی گشودن رازها و برطرف شدن سوء تفاهمات است.» (میرصادقی، ۱۳۸۶: ۲۹۸)

## کشمکش

کشمکش از مقابله‌ی شخصیت‌ها با هم به وجود می‌آید؛ بنابراین، پیرنگ همیشه با کشمکش سروکار دارد؛ یعنی «از برخورد عمل شخصیت یا شخصیت‌های اصلی داستان با عمل شخصیت‌های مخالف و مقابل کشمکش داستان آفریده می‌شود.» (میرصادقی، ۱۳۸۶: ۷۱) کشمکش، مقابله‌ی دو نیرو یا دو شخصیت است که بنیاد حوادث را می‌ریزد. شخصیت اصلی یا شخصیت مرکزی با نیروهایی که با او سر مخالفت دارند به نزاع و مجادله می‌پردازد.

## تعلیق

تعلیق<sup>۱</sup> «کیفیتی است که نویسنده برای وقایعی که در داستان در حال تکوین است، می‌آفریند تا خواننده را کنجکاو و نسبت به ادامه‌ی خواندن داستان مشتاق کند. تعلیق ممکن است به دو صورت در داستان به وجود آید، یکی آنکه نویسنده رازی را در داستان مطرح کند تا خواننده مشتاق دریافت و درک آن شود و یا شخصیت یا شخصیت‌های داستان را در وضعیت و موقعیت دشواری قرار دهد، به‌طوری‌که خواننده را نسبت به سرنوشت آن‌ها کنجکاو کند.» (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۳۲۰)

1. Suspense

## بحران

همان‌طور که رشته‌ی حوادث داستان، باعث تحکیم استخوان‌بندی اثر می‌شود، بحران نیز، تنوع و برجستگی اثر را بیشتر می‌کند و در خواننده شوق ادامه‌ی داستان را افزایش می‌دهد. وقایعی که برای اشخاص داستان پیش می‌آید، توجه خواننده را جلب می‌کند؛ ولی چیزی که خواننده را به هیجان می‌آورد، بحران موجود در کار و عکس‌العمل اشخاص در برابر حوادث ایجاد شده است. وقتی داستان به لحظه و یا دوره‌ی بحرانی خود می‌رسد، مخاطب با اشتیاق خاصی به خواندن ادامه می‌دهد و در صورت قوت کاری نویسنده داستان، کاملاً در اثر، ذوب می‌شود و با خود می‌اندیشد که حوادث جدید به چه شکلی ایجاد خواهد شد و بر سر شخصیت چه خواهد آمد.

## نقطه‌ی اوج

بر اساس اصول داستان‌نویسی «پس از یک رشته بحران که برخورد و کشمکش داستان را پیش می‌برد، لحظه‌ای فرا می‌رسد که عناصر مختلف در برخورد و کشمکش با یکدیگر به اوج خود می‌رسند. انگیزه‌های اشخاص داستان که با شوق و حرارت درگیر عمل‌اند، طرح داستان را بیش از پیش پیچیده می‌کند. اشخاص داستان، خود به خود، به سوی نوعی خود بیانی حرکت می‌کنند و این به سهم خود داستان را به سوی اوج می‌رانند.» (وستلند، ۱۳۷۱: ۱۱۸)

## بحث و بررسی

### خلاصه‌ی رمان پیکر فرهاد

پیکر فرهاد (معروفی، ۱۳۸۱)، روایتی از «زن جلد قلمدان» بوف کور است. زنی که از دوره‌ی ساسانی به جلد قلمدان آمده است. این زن از گذشته می‌آید تا معشوق خود را پیدا کند. زن جلد قلمدان زنده می‌شود، تا آنچه بر او گذشته است را روایت کند. در این میان گریزی به دهه‌های شصت و هفتاد هم زده شده و وضعیت روشنفکران نیز در آن انعکاس می‌یابد. پیکر فرهاد به لحاظ پیچیدگی و زیبایی‌شناسی ادبی در درجه‌ی بالایی قرار دارد و التقاطی از دوران و حالات مختلف از

ساسانی تا معاصر و از افسانه تا واقعیت را در خود حل کرده است. این رمان با ترکیب و هم‌آیی داستان‌ها و افسانه‌های مختلف ذهن مخاطب را به بازی می‌گیرد. در مؤخره‌ی کتاب به ارتباط هدایت و نظامی اشاره می‌شود که توسط معرفی احساس می‌شود. این رمان سه دوره‌ی تاریخی متفاوت را در برمی‌گیرد: دوره‌ی باستان؛ آنچه زن جلد قلمدان هدایت است، دوره‌ی معاصر؛ دوران زندگی هدایت و زمان حال. در داستان در کنار اینکه به نظر می‌رسد یگانگی بین اجزا وجود دارد، هیچ انسجامی به چشم نمی‌خورد و به نظر می‌رسد روایت بین زمان‌های مختلف در گردش است و نوعی ابهام و گنگی در مخاطب ایجاد می‌کند. در این رمان نه تنها ترتیب وقایع به هم می‌خورد بلکه درهم تنیدگی وقایع نیز وجود دارد. در این رمان، نویسنده به بازخوانی و بازنویسی آنچه صادق هدایت انجام داده بود، می‌پردازد و درک مطالب آن تنها با خواندن بوف کور ممکن است. در پیکر فرهاد، عشق زن چنان سوزاننده است که آن را از دوران خود فراری می‌دهد و چنان است که در دوره‌ی دیگر نیز نماند. شیوه‌ی جریان سیال ذهن و ذهنی بودن در این رمان باعث دشواری درک آن می‌شود. زاویه‌ی دید در این رمان نیز به دو صورت اول و سوم شخص است که استفاده‌ی همزمان از هر دو، نوعی تکمیل دیگری است. بیشترین استفاده از مؤلفه جریان سیال ذهن در رمان آشکار است. ساختار پیرنگ پیچیده و ترتیب زمانی ندارد. رخدادها و حوادث ساختگی در اجزا و ساختار رمان همچون گره‌افگنی، تعلیقات، کشمکش‌ها، بر ساختار و نظم طبیعی رمان مغلوب است. به‌طوری‌که خواننده باید حوادث و رخدادها را از بخش‌ها و اجزای پیرنگ جمع‌آوری کند تا به مقصود نویسنده برسد. پایان‌بندی رمان با ابهام همراه است به‌گونه‌ای که خواننده می‌تواند تفاسیر متعددی از رمان داشته باشد. رمان ارتباط بینامتنی قوی با بوف کور صادق هدایت دارد. عبارات نخستین این رمان بسیار گیج‌کننده و مبهم است. معرفی با استفاده از تکنیک ادبی پرسونیفیکیشن یعنی جاندارنمایی جسم و نقاشی بی‌جان و همچنین با استفاده از جریان سیال ذهن، داستانی را خلق نموده است که اوج هنرمندی و ظرافت ادبی در آن نمایان است. استفاده از ارائه‌های ادبی و استعارات و توصیفات و بیان احساسات در رمان سبب ترغیب خواننده شده و پیرنگ رمان را پیچیده کرده است؛ به‌طوری‌که خواندن آن، برای مخاطبان عام کمی دشوار خواهد

بود و این امر بر خوانش آن تأثیرگذار است. پیرنگ رمان به هیچ عنوان ساده و از پیش تعیین شده نیست و خواننده در لابه‌لای رمان همواره با ابهام روبه‌رو است و نمی‌تواند پایان‌بندی قطعی رمان را حدس و مشخص کند. یکی از مشخصه‌های جریان سیال ذهن در این رمان هویدا است، همان ناپیدایی و ابهام رمان پس از اتمام آن‌که خواننده حتی بعد اتمام رمان، پایان رمان برایش روشن نیست و پایان‌بندی رمان همواره با ابهام و با تفاسیر متعدد روبه‌رو است.

### ذوب‌شده

این داستان روایت ناصر اسفاری، معلم و نویسنده دو کتاب است که بدون اینکه فعالیت کرده باشد، به اتهام ارتباط با آزاد دستگیر و به مدت سه سال بی‌خبر از خانواده، بازجویی و شکنجه می‌شود. او برای رهایی از شکنجه‌ها شروع به قصه‌گویی می‌کند و آن‌چنان آن را واقعی جلوه می‌دهد که مأموران باور کنند. هنگامی‌که آزاد می‌شود بسیار بیمار و نزار است و این موجب می‌شود که روایات متعددی از گذشته‌ی خود بیان کند. ذوب شده، روایت له شدن سوژه‌ی انسانی در برابر خشونت‌های وارده است که در زندان اتفاق می‌افتد. رمان بر مبنای مؤلفه‌های سبکی رمان مدرن نوشته شده، همواره شروع اش ابهام‌آمیز و جذاب است. شخصیت محوری رمان، اسفاری است. فضای رمان ابهام‌آمیز، اضطراب‌آور است. فضایی که رمان در آن بیان می‌شود با توجه به توصیفات و تغییرات ذهنی راوی به‌گونه‌ای است که خواننده و مخاطب خودش را همراه با آن در ذهن تداعی می‌کند و همدرد آن می‌شود... پیرنگ رمان نسبت به رمان پیکر فرهاد در سطح پایین‌تری قرار دارد و دارای پیچیدگی کمتری نسبت به آن است. گره داستان آزاد کجاست؟ این گره همواره تا انتهای رمان همراه خواننده است. ساختار پیرنگ در تعلیق همواره با ابهام همراه است. مخاطب و خواننده باید ساختار پیرنگ را دنبال کند و همه‌ی اجزا را در کنار هم قرار دهد تا بتواند از میان ابهام و تداعی‌های ذهنی به کلیت رمان پی ببرد. در این سبک پیرنگ رمان کمی پیچیده و همراه با ابهام است. کشمکش اصلی رمان، تقابل بین اسفاری و مأمورین ساواک است. که موجب سرشکستگی و له شدن شخصیت روشنفکری می‌شود که چندان در سیاست وارد نشده است.

### فریدون سه پسر داشت

این رمان، روایتی از مجید امانی یکی از چهار پسر خانواده امانی است که از آلمان به ترکیه می‌آید و مقصد او ایران است. فریدون امانی که پدر خانواده و مردی ثروتمند است، چهار پسر و یک دختر دارد. او در دوره‌ی پهلوی صاحب کارخانه‌ی لاستیک‌سازی بی. اف. گودریچ و نزدیک به دربار بوده و فرزندان را از فعالیت سیاسی باز می‌دارد و سیاست را کثیف می‌خواند. این در حالی است که ایرج فرزند ارشد او در به اتهام اقدام، جهت ترور نخست‌وزیر دستگیر می‌شود. پس از انقلاب ۵۷، فریدون امانی به دلیل کشته شدن برادرش، صادق، در دوره‌ی پهلوی از مقربان حکومت، صاحب کارخانه ایران تایر و در نهایت نماینده‌ی تهران در مجلس می‌شود. او علی‌رغم موقعیت سیاسی مناسب برای حفظ منافع خود اقدامی جهت نجات پسرش برنداشته و ایرج را اعدام می‌کند.

مرگ ناصری شروع رمان است. مجید امانی نیز به دلیل مرگ دوست خود دچار بیماری روانی شده و به مدت چهار سال در بیمارستان روانی بستری است. او به جهت شانزده سال دوری از وطن و در نتیجه‌ی ناامیدی در مبارزات و تأثیرات قرص‌هایی که مصرف می‌کند، هر روز بدتر شده و به شدت ترسو می‌شود تا جایی که به او «مجید قورباغه» می‌گویند. مجید توانسته است جعبه‌ی افتخارات درست کند که محتوای آن عکس‌هایی از فعالیت‌های سیاسی وی است و مجید با مرور خاطرات، ایام خود را می‌گذراند. در این دوره، دولتمردان ایران در آلمان (محل زندگی مجید) او را به بازگشت به ایران ترغیب می‌کنند و مسیر را برای بازگشت او هموار می‌سازند. آن‌ها به این منظور پناهندگی مجید را از آلمان لغو کرده و او را به ترکیه می‌آورند، اما در مرز او را می‌کشند. آنچه از مجید امانی می‌توان دید شخصیتی سردرگم است که نمی‌داند وضعیت کنونی‌اش از کجا نشأت می‌گیرد. این ماجراها به مرگ ناصری، اعدام ایرج یا چیزهای دیگری از قبیل فریدون سه پسر داشت برمی‌گردد. این رمان بسیاری از مؤلفه‌های رمان مدرن را دارا است. اسطوره‌گرایی و اشاره به براعت استهلال با وام‌گیری از داستان فریدون در شاهنامه نوعی نگاه فراتاریخی را برای خواننده ترسیم می‌کند. شروع رمان بر مبنای مؤلفه‌های رمان مدرن نوشته شده است. یعنی نقطه‌ی شروع رمان و پایان رمان به چالش کشیده شده است و صحنه‌ی آغازین رمان به نوعی صحنه پایان

آن نیز هست. این رمان به نوعی از پایان شروع می‌شود با مرگ ناصری در بیمارستان... شروع رمان با ابهام در کلمه «شاید» و مرگ ناصری است. این روش در ساختار پیرنگ به ویژه در تعلیقات، انواع متعدد تعلیق را به وجود می‌آورد. همچون کلمات «شاید»، «همه‌چیز»، «ناصری» و... در این رمان که به سبک مدرن نوشته شده، ما با یک پیش‌نگری قابل توجه زمانی روبه‌رو هستیم. پیش‌نگری در نخستین جملات رمان، مخاطب را در دو نوع تعلیق از جمله تعلیق روایی و تعلیق در شخصیت قرار می‌دهد. اشاره به شعر شاملو... با آوازی یکدست - یکدست - دنباله‌ی چوبین بار - در قفایش - خطی سنگین و مرتعش - بر خاک می‌کشید... شتاب کن ناصری، شتاب کن! ابهام به دلیل تداعی ذهنی به شعر مرگ ناصر نیز، سبب شدت تعلیق رمان شده است. یکی از مؤلفه‌های سبک رمان مدرن استفاده از همین کلمه‌ی «شاید» در شروع رمان است. ساختار پیرنگ رمان با توجه به اینکه از تکنیک‌های ادبی خاصی استفاده نمی‌کند، اما با استفاده کلمات بسیار ساده اما تعلیق برانگیز سبب پیچیده شدن رمان می‌گردد به طوری که برای خواننده تداعی ابهام و درگیر شدن در رویداد و حوادث رمان را به بار می‌آورد. در این رمان معرفی با این شگرد مدرن سعی در بیان چرایی عاقبت تنهایی، غربت خودش، ذهن خواننده را به چالش می‌کشد تا او نیز به تأمل در اندیشیدن متن رمان وا دارد. تکرار «شاید‌ها» عدم قطعیت نظریه‌ی هاینز برگ را به ذهن مخاطب متبادر می‌کند و همواره سبب می‌شود با پیرنگ و ساختار پیچیده مواجه شویم. ساختار پیرنگ در کشمکش، (البته درونی) تعلیق همواره با ابهام است. شخصیت محوری رمان، شخصیتی بسیار آشفته و افسرده است و درگیری و حدیث نفس فراوانی با خود دارد و همواره از احتمالات روزگاری که سبب شده در غربت، تبعید و تنهایی قرار بگیرد، صحبت می‌کند؛ ولی هیچ‌گاه قطعیت در بیان ندارد. شخصیت محوری داستان مجید امانی است، اما با وجود کشته شدن شخصیت محوری داستان یعنی مجید امانی در مرز ترکیه، همچنان خواننده دنبال این پرسش هست که چه اتفاقی افتاد که کار به اینجا کشید؟ هیچ پاسخ قطعی در رمان به او داده نمی‌شود. کشمکش رمان اگرچه باید با پایان یافتن آن و گشودن گره رمان به نتیجه برسد ولی به دلیل درونی بودن کشمکش‌ها پایانی نسبتاً مبهم پیدا می‌کند و خواننده با قطعیت نمی‌داند سرانجام چه و چرا این جوری شده است...

## تماماً مخصوص

این رمان، زندگی عباس ایرانی است که فارغ‌التحصیل فیزیک بوده و در حال حاضر روزنامه‌نگار و نویسنده‌ای پناهنده در آلمان است و مدیریت شیفت شب هتلی معمولی در واندلیتز را به عهده دارد. راوی در فضایی معلق مربوط به جریان پیش و هنگام انقلاب و فرار از طریق پاکستان و پناهندگی آلمان قرار دارد. آنچه هم‌اکنون گریبان‌گیر اوست کابوس، تنهایی، یاس و غم غربت است و باعث می‌شود راوی میان زندگی حال و گذشته‌اش پرش داشته باشد. عباس ایرانی در نتیجه‌ی رفت‌وآمد مداوم میان زندگی و خاطرات ارتباطش با واقعیت را از دست داده و دچار توهم می‌شود به گونه‌ای که در ذهن او فراخوانی با حضور شخصیت‌های زنده و مرده‌ای که با وی در ارتباط بوده‌اند وجود دارد و امکان تشخیص واقعیت را از او گرفته است. در رمان شخصیت دیگری به نام میرزا عبدالله وجود دارد که در کودکی با عباس دوست بوده است. پری خواهر بزرگ میرزا عبدالله کسی است که داستان از او و فرارش از مأموران شروع می‌شود. کسی که رابطه‌ی میرزا عبدالله و عباس را قوی می‌کند و شرح‌آشنایی‌اش با عباس در رمان روایت می‌شود. ارتباط پری و عباس از جایی شروع می‌شود که عباس برای تدریس به خانه‌ی آن‌ها می‌رود و عاشق پری می‌شود. گرچه‌ی رابطه‌ی عباس و پری چیزی در حدود سه ماه بیشتر طول نمی‌کشد، اما چنان قوی است که در آلمان نیز ذهن عباس را درگیر کرده، به حدی که دختری به نام یانوشکارا تجسمی از پری می‌بیند. روی پیراهن یانوشکارا عدد ۲۵ نوشته شده که این عدد در توصیف زنان رمان نقش دارد و روی سینه‌ی شخصیت‌های مرده نیز آمده است. عباس ایرانی نیز به دلیل فعالیت‌های خبری خود تحت تعقیب قرار گرفته و با کمک موسی زابلی به همراه فرشاد از مرز پاکستان فرار می‌کند که شرح این فرار نیز برای عباس بسیار پررنگ است. از شخصیت‌های تأثیرگذار دیگر رمان فردی به نام دکتر برنارد است که او را به‌عنوان مدیر شیفت شب هتل استخدام می‌کند و عباس از این طریق با یانوشکارا که پیانیست و منشی و کریشن باوئر که مسئول نگهداری سگ‌هاست، آشنا می‌شود. برنارد پیشنهاد سفری را به عباس می‌دهد که اگر قبول نکند اخراج می‌شود و از طرفی عباس حوصله‌ی مسافرت را ندارد و این نقطه‌ی بحرانی برای اوست. این رمان همچون رمان فریدون سه

پسر داشت تقریباً از اواخر رمان شروع می‌شود. پیرنگ رمان و ساختار آن در این رمان ساده است البته به سبک مدرن، شخصیت‌پردازی و کشمکش‌های درونی و ابهام در پایان‌بندی رمان مشهود است. اگرچه پیرنگ آن ساده است، ولی تکنیک‌های رمان مدرن از جمله شروع رمان از آخر، آوردن گره‌های مبهم و نگشودن آن در متن و پایان رمان سبب سردرگمی خواننده می‌شود. عمده‌ی کشمکش رمان کشمکش درونی است و بسامد آن در طول رمان بسیار است. تکنیک‌های ادبی رمان استعاره گونه از مرغ بوتیمار است که به طوری شخصیت محوری رمان یعنی عباس ایرانی را تحت شعاع قرار می‌دهد. عباسی که می‌توانست زندگی توأم با عشق، محبت و آرامشی داشته باشد سراسیمه پناهنده‌ای شده غریب و آشفته که با داشتن سرزمین و کشور، آواره‌یکشوری دیگر شده و مدام در تعارض درونی به سر می‌برد و در بحرانی چندجانبه غوطه‌ور شده و ترس تنها حادثه‌ی محوری رمان است که عباس ایرانی توان خارج شدن از آن را ندارد. رمان بر اساس سبک مدرن پایانی مبهم و نیمه‌تمام دارد و پیرنگ رمان ساده و ساختار آن در کلیت رمان قابل دسترسی و فهم است.

### کولی کنار آتش

این رمان، روایت دختری به نام آینه است که نامش همراه با شکست، گنگی و بی‌پولی است. داستان دختری از قبیله‌ی صفاری که طبق رسوم قبیله‌ای به رقاصی تبدیل می‌شود تا با رقص برای مانس‌ها پول در بیاورد. او در یکی از مراسم‌ها شیفته‌ی یکی از مانس‌ها شده که نویسنده است و با او ارتباط می‌گیرد. مانس می‌خواهد از این طریق داستان‌های مادر بزرگ آینه را در کتابی به نام «آینه» بنویسد و در ازایش پولی به او بدهد. ماجراهایی که آینه می‌گوید از میان تابلوهای نقاشی‌اش است و این ماجراها پیرنگ را شکل می‌دهد. خروج آینه از قبیله، رفتن به شهر و تن دادگی به نویسنده که رفتاری ناهنجار در قبیله بوده است، موجب می‌شود تا مردان قبیله او را شکنجه کنند. وقایع داستان عموماً از طریق دانای کل روایت می‌شود و این روایت‌ها بیشتر به شرح زندگی این شخصیت است. آینه را می‌توان تجسمی از سرنوشت او دانست که به نمایش در می‌آید. جریان



سیال ذهن در این رمان از طریق دخالت‌های آینه در روایت گذشته‌اش انجام می‌پذیرد که ترتیب وقوع حوادث را جابه‌جا می‌کند. دانای کل نیز با استفاده از نقاشی‌ها خاطرات و وقایع زندگی آینه را بازنمایی می‌کند. تأکید نویسنده در این رمان بر دو وضعیت سیاسی و جنسی حاکم بوده است که گرچه موضوعی غنی است، اما نتوانسته ارتباط درستی بین آن‌ها برقرار کند و دو موضوع را به شکل هوشمندانه‌ای به هم وصل کند. در این رمان علاقه‌ی روانی‌پور به استفاده از سمبل‌ها به چشم می‌خورد، اما انسجام لازم برای پیوند حوادث وجود ندارد و رمان از زندگی دختری درگیر مسائل جنسی و مشکلات شخصی ناگاه به شکل مصنوعی به زندگی دختری در متن درگیری‌های سیاسی تبدیل می‌شود. این رمان از طرفی به شیوه‌ی کلاسیک با یک توصیف بدون کارکرد آغاز می‌شود و از طرفی نیز نویسنده سعی دارد با به کارگیری ساختاری مدرن چنین وانمود کند که رمانش با مؤلفه‌های سبکی مدرن همخوانی دارد. زاویه دیدهای متعدد در شروع رمان نمی‌تواند آن را در زمره‌ی رمان‌های مدرن قرار دهد؛ اگرچه در برخی موارد به آن سبک نزدیک شده است. ایجاد ابهام و پیچیدگی به سبک مدرن با استفاده از زاویه دیدهای متنوع در شروع رمان، گویای این است نویسنده می‌خواهد رمانش با یک شخصیت محوری سرگردان و پیچیده در ساختار پیرنگ نمایان شود و خواننده با آن‌هم ذات‌پنداری کند و این روش را در ساختار روایت دنبال کند. در این رمان شخصیت محوری با چندین شخصیت ظاهر می‌شود و خواننده را در ابهام قرار می‌دهد که چگونه این شخصیت می‌تواند چندین شخصیت محوری دیگر داشته باشد و این امر پیرنگ رمان را نه چندان پیچیده می‌کند و نه چندان ساده؛ بلکه خواننده با دقت در ساختار روایت می‌تواند به ساختار پیرنگ و درک رمان برسد. کشمکش اصلی رمان زندگی آینه است. شکستن قانون قبیله، آشنایی آینه با مانس و مانس‌ها، پیرنگ رمان با آوردن تعلیق‌های متعدد، معماگونه، تناقض‌برانگیز و تخلیط شخصیت‌ها کمی دشوار و پیچیده است، اما قابل فهم و درک رمان است. بر مبنای سبک مدرن و عدم قطعیت برخی رخدادها و رویدادها در این رمان شاهد وقایعی هستیم که معلوم نیست از کجا سرچشمه می‌گیرند و به کجا ختم می‌شوند؟ چه اتفاقی قبل از وقوع رمان افتاده است؟ این موارد ابهام‌آمیز در این رمان فراوان است... داستان‌های تودرتو در این رمان فراوان است. که هیچ‌کدام آن

شرح و تفسیر نمی‌شود ... پایان‌بندی این رمان نیز چندان مشخص نیست، دو گانه است. شروع و پایان رمان به شیوه‌ی دوار و مدور است با توصیف آتش و رقص شروع و پایان می‌یابد. منتها پیرنگ رمان در حد متوسط است نه مشکل و پیچیده نه ساده.

### چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم

این رمان، درباره‌ی خانواده‌ای ارمنی در دهه‌ی چهل است؛ خانواده‌ی آیوزیان. کلاریس زنی سی و هشت ساله و فداکار است که تمام‌وقت خود را صرف امورات خانه و همسر و فرزندانش می‌کند و غیر از دیدار خانواده‌اش تفریح دیگری ندارد، به علائق شخصی خود بی‌تفاوت است و آن‌ها را نادیده می‌گیرد، همیشه نقاب به چهره دارد و در موقعیت‌های مختلف منفعل است، آرتوش همسر او و کارمند ارشد شرکت نفت، دخترهای دوقلوی او ۱۱ ساله و پسرش آرمین ۱۵ ساله است. آن‌ها در خانه‌های سازمانی شرکت نفت زندگی می‌کنند و زندگی آرام و یکنواختی را تجربه می‌کنند تا زمانی که خانواده سیمونیان همسایه آن‌ها می‌شود. اعضای این خانواده امیل، امیلی و مادر امیل هستند. امیل مرد خانواده، مجرد دارای شخصیتی شاعرانه و از کارکنان شرکت نفت است که به جهت همکار بودن با آرتوش وارد رابطه‌ی دوستی با خانواده آن‌ها می‌شود. در نتیجه‌ی رفت‌وآمدهای خانواده آیوزیان و سیمونیان، رفتارهای متشخصانه، توجه به علائق و تعریف از کلاریس، کلاریس به امیل علاقه‌مند می‌شود و احساس جدیدی در او بیدار می‌شود. در این زمان امیل نیز شیفته‌ی کلاریس می‌شود تا جایی که او را به دیداری در خلوت دعوت می‌کند؛ اما کلاریس که در دو راهی بین میل به محبوب شدن و درگیر شدن در عشقی ناخواسته، می‌هراسد و پیشنهاد او را رد می‌کند. شخصیت محوری این رمان کلاریس است که زنی کدبانو، خانه‌دار و مادری مهربان است. رمان از زاویه دید اول شخص بیان می‌شود. شروع رمان بسیار موفق و چشم‌گیر است. نویسنده در آغاز رمان یک نواختنی کسالت‌بار و ضرباهنگ‌های مداوم و شبیه به هم، زندگی کلاریس را مجسم می‌سازد. توصیفات مختصر از زندگی و محیط اجتماعی و همسایه‌ها را بیان می‌کند. شخصیت‌پردازی رمان بسیار

آشکار و روشن است بدون هیچ‌گونه ابهام و پیچیدگی‌ای. فضاسازی رمان سبب شده پیرنگ رمان و ساختار آن ساده جلوه کند اما یکی از مؤلفه‌های رمان مدرن در این رمان گذر از سنت به مدرنیته است. ساختار پیرنگ و نقطه اوج‌های متکثر در رمان وجود ندارد. تنها نقطه‌ی اوج رمان که نقطه محوری رمان نیز است ملاقات کلاریس با امیل است. این رمان در مکتب رئالیسم کثیف نوشته شده و ویژگی‌های آن مکتب را در بردارد. کشمکش این رمان بیشتر میان افکار کلاریس با استفاده از ورهای مختلف است از جمله ایرادگیر، فضول، بداخلاق، مهربان و منطقی نمود پیدا می‌کند. پیرنگ رمان ساده است و قابل فهم خواننده اما همواره استفاده از فن‌ها ادبی نیز بهره برده است.

### عادت می‌کنیم

این رمان روایت زندگی آرزو، زنی چهل و یک ساله، مدرن و دارای ظاهر زیبا با وجود احساساتی بودن، است. آرزو در بیست و یک سالگی در جدال بین پسرخاله‌هایش حسام و حمید، با حمید ازدواج می‌کند. این ازدواج بیشتر به خاطر علاقه مادرانشان به حفظ اصالت خانوادگی (که خود را شاهزاده‌ی قاجار می‌دانستند) است و به دلیل عدم تفاهم، نداشتن درک درستی از ازدواج، ازدواج با هدف اقامت اروپا، آزارهایی که حمید در بچگی به آرزو وارد کرده بود، پخته شدن آرزو پس از به دنیا آوردن فرزندشان آیه و نداشتن استقلال از همسرش جدا می‌شود. آرزو پس از جدا شدن از همسرش به ایران بازمی‌گردد و «بنگاه معاملاتی صارم و پسر» را که مال پدرش بوده است، مجدد راه انداخته بود تا بدهی‌هایش را بدهد. نام این بنگاه به خاطر علاقه به پسر داشتن، علی‌رغم مخالفت ماه منیر (همسرش) است؛ اما آرزو به خاطر نزدیکی و علاقه به پدر و قوت قلبی که از استقلال مالی می‌کرد؛ هرچند در این خصوص آرزو با مخالفت‌هایی از سمت سیستم مردسالار روبه‌رو شده بود و توانست کارفرمایی کوچک شود.

در بنگاه معاملاتی «صارم و پسر»، شیرین، تهمینه و محسن مشغول به کار هستند. تهمینه دختری ساده است که یکی از برادرانش در جنگ کشته شده، برادر دیگرش اعدام و برادر دیگرش

نیز معتاد شده است. پدرش از غم فقدان پسران دق کرده و مرده و مادرش نیز بیمار شده است. به‌طور کلی می‌توان رمان «عادت می‌کنیم» را دنباله‌ی منطقی رمان «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» بدانیم. در رمان «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» زن منفعل و بی‌هویت را می‌بینیم و در رمان «عادت می‌کنیم» زنی را که از دل وقایع سهمگین کسب هویت می‌کند. این رمان یکی از شاخصه‌های رمان معاصر در بین نویسندگان زن است. شخصیت اصلی و محوری رمان زنان هستند. آرزو صارم به‌عنوان یک زن موفق در جامعه‌ی مردسالار وارد می‌شود. پیرنگ رمان و ساختار آن ساده و تکنیک‌های ادبی خاصی در رمان ارائه نمی‌شود. تعلیق کم و گره افگنی زیاد در رمان سبب شده مخاطب خوانش رمان را دنبال کند. تعلیق‌های متعدد در حوادث فرعی از جمله تن دادن آرزو به مهاجرت، پذیرفتن زرجو توسط ماه منیر به‌عنوان داماد، رابطه‌ی ماه منیر و آیه با آرزو، ازدواج آرزو با سهراب. این رمان دارای پایان‌بندی مبهم هست و خواننده می‌تواند پایانی برایش بسازد. گره‌های متعددی در رمان هست از جمله کم‌توجهی ماه منیر نسبت به آرزو، رمان پدر، عدم تفاهم میان آیه با آرزو، تصمیم بزرگ آرزو برای کار اقتصادی. رمان در حال و هوای اجتماعی و اقتصادی و توجه به زنانگی جامعه قرار دارد و با پیرنگ ساده شروع می‌شود و دارای پیچیدگی و تکنیک‌های خاصی هم نیست.

### نتیجه

با توجه به بررسی زیبایی‌شناسی عنصر پیرنگ در رمان‌های منتخب، یافته‌های پژوهش حاضر به شرح زیر است که بر مبنای پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش استخراج شده است. همان‌طور که می‌دانیم در ادبیات نمی‌توان صرفاً از روش‌های کمی استفاده کرد و به این دلیل از روش کیفی نیز استفاده کرده و توانستیم با مطالعه‌ی آثار منتخب یعنی رمان‌های «ذوب شده»، «تماماً مخصوص»، «فریدون سه پسر داشت»، «پیکر فرهاد»، «کولی کنار آتش»، «عادت می‌کنیم» و «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» به طیفی از پیرنگ برسیم.

این طیف شامل پنج نوع پیرنگ است:

نوع پیرنگ	رمان‌های منتخب
پیچیده با استفاده از تکنیک‌های ادبی	پیکر فرهاد
پیچیده بدون استفاده از تکنیک‌های ادبی	فریدون سه پسر داشت، ذوب شده
متوسط	کولی کنار آتش
ساده با استفاده از تکنیک‌های ادبی	عادت می‌کنیم، تماماً مخصوص
ساده بدون استفاده از تکنیک‌های ادبی	چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم

با بررسی زیبایی‌شناسی پیرنگ دیدیم که معرفی در رمان‌هایش از جریان سیال ذهن استفاده می‌کند و این شیوه در پیرنگ او تأثیرگذار است؛ بدین شکل که در این رمان‌ها ترتیب زمانی دیده نمی‌شود و اجزای رمان نیز فرم عادی خود خارج می‌شوند؛ پس برای ایجاد ترتیب زمانی باید حوادث را از رمان شکافته و در ذهن، ترتیب مجدد داد تا ابهام داستان رفع شود. این شیوه در رمان پیکر فرهاد پیچیده و همراه با تکنیک‌های ادبی بوده و به مرور در فریدون سه پسر داشت و ذوب شده تکنیک‌های ادبی اش ساده می‌شود و در رمان تماماً مخصوص شاهد پیرنگی ساده ولی دارای تکنیک‌های ادبی هستیم. در رمان کولی کنار آتش، اگرچه پیرنگ چندان قوی و شاعرانگی‌ها و ابهام ادبی وجود ندارد ولی نویسنده همزمان از مؤلفه‌های مدرن و پست مدرن بهره برده است. شیوه‌ی استفاده از پیرنگ در آثار پیرزاد از متفاوت است. آثار او پیرنگ‌هایی ساده دارند که با زبان ساده او همخوانی دارد. در رمان‌های پیرزاد نه با پیرنگ پیچیده‌ای مواجه می‌شویم و نه با تکنیک‌های خاص ادبی؛ بلکه همه‌چیز ساده است. نتایج بالا را با تیراژ این رمان‌ها مقایسه کردیم از این مقایسه دیدیم که زمانی که رمان‌هایی با پیرنگ‌های پیچیده کنار گذاشته می‌شود و چاپ آن‌ها کاهش می‌یابد، شمارگان کتاب‌هایی که پیرنگ ساده دارند و به لحاظ ادبی تکنیک‌های کمتری در خود جای داده‌اند، بالا می‌رود؛ یعنی در فقدان رمان‌های پیچیده، رمان‌هایی که ساده هستند بیشتر خواننده می‌شود. این امر به دلیل میل افراد به مطالعه‌ی متون ساده نیست، بلکه به علت نبود رمان پیچیده

است. پس می‌توان نتیجه گرفت که با ورود مجدد رمان‌های پیچیده استقبال مردم از رمان‌های ساده کمتر خواهد شد. اما آنچه اهمیت دارد تأثیر رمان‌های ساده بر ذائقه‌ی ادبی مخاطبان است که به مرور و با مطالعه‌ی متون ساده، سطح ذائقه‌ی مخاطب در سطح پایینی نگه داشته شده و ارتقا نمی‌یابد این امر موجب می‌شود که نه تنها ارزش متون کلاسیک و دارای ویژگی‌های ادبی ارزشمند درک نشود، بلکه به دلیل عدم نقد و بررسی چنین متونی، تحوّل ادبی نیز شکل نخواهد گرفت و مانعی جلوی کار آن خواهد بود.

## منابع و مآخذ

کتاب‌ها:

- آدام، ژان میشل؛ رواز، فرانسوا. تحلیل انواع داستان، ترجمه‌ی آذین حسین‌زاده؛ کتابون شهرزاد. تهران: نشر قطره، ۱۳۸۳.
- احمدی، بابک. ساختار و تأویل متن. تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰.
- اخوت، احمد. دستور زبان داستان. اصفهان: نشر فردا، ۱۳۷۱.
- اسحاقیان، جواد. راهی به هزار نوی رمان نو «در آثاری از: کوندرا، یاروت، رب‌گری‌یه». تهران: نشر گل‌آذین، ۱۳۸۶.
- انوشه، حسن. دانشنامه‌ی ادب فارسی. جلد دوم، تهران: چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
- بامشکی، سمیرا. روایت‌شناسی داستان‌های مثنوی. تهران: نشر هرمس، ۱۳۹۱.
- برتز، یوهانس ویل. مبانی نظریه‌ی ادبی، ترجمه‌ی محمدرضا ابوالقاسمی. تهران: نشر ماهی، ۱۳۸۸.
- بورنوف، رولان؛ اوله، رتال. جهان رمان، ترجمه‌ی نازیلا خلخالی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۸.
- بی‌نیاز، فتح‌الله. درآمدی بر داستان‌نویسی و روایت‌شناسی. تهران: نشر افراز، ۱۳۸۷.
- پاینده، حسین. داستان کوتاه در ایران «داستان‌های مدرن»، جلد ۲. تهران: نشر نیلوفر، ۱۳۹۳.
- \_\_\_\_\_ گشودن رمان. تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۹۴.
- پیرزاد، زویا. چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم. تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰.
- \_\_\_\_\_ عادت می‌کنیم. تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۳.
- تایسن، لیس. نظریه‌های نقد ادبی معاصر، ترجمه‌ی مازیار حسین‌زاده، فاطمه حسینی. تهران: انتشارات نگاه امروز، ۱۳۸۷.

- تودوروف، تزوتان. بوپقای ساختارگرا، ترجمه‌ی محمد نبوی. تهران: انتشارات آگه، ۱۳۷۹.
- تولان، مایکل جی. درآمدی نقادانه و زبان‌شناختی بر روایت، ترجمه‌ی ابوالفضل حرّی. تهران: نشر نیلوفر، ۱۳۸۳.
- دستغیب، عبدالعلی. پیدایش رمان فارسی. شیراز: انتشارات نوید شیراز، ۱۳۸۶.
- ریمون کتان، شلومیت. روایت داستانی: بوپقای معاصر، ترجمه‌ی ابوالفضل حرّی. تهران: نشر نیلوفر، ۱۳۸۷.
- روانی پور، منیرو. کولی کنار آتش. تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰.
- مارتین، والاس. نظریه‌های روایت، ترجمه‌ی محمد شهباز. تهران: نشر هرمس، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- معروفی، عباس. پیکر فرهاد. تهران: نشر ققنوس، ۱۳۸۱.
- \_\_\_\_\_ تماما مخصوص. آلمان: انتشارات گردون، ۱۳۸۹.
- \_\_\_\_\_ ذوب شده. تهران: نشر ققنوس، ۱۳۸۸.
- \_\_\_\_\_ فریدون سه پسر داشت. آلمان: انتشارات گردون، ۱۳۸۰.
- مکاریک، ایرنا ریما. دانشنامه‌ی نظریه‌ی ادبی معاصر، ترجمه‌ی مه‌رمان مهاجر و محمد نبوی. تهران: نشر آگه، ۱۳۸۵.
- مندی پور، شهریار. کتاب ارواح شهرزاد (سازدها، شگردها و فرم‌های داستان نو). تهران: نشر ققنوس، ۱۳۸۹.
- میرصادقی، جمال. ادبیات داستانی. تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۷.
- \_\_\_\_\_ عناصر داستان. تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۶.
- \_\_\_\_\_ میرصادقی، میمنت. واژه‌نامه‌ی هنر داستان‌نویسی. تهران: کتاب مه‌ناز، ۱۳۸۸.
- ویستر، راجر. درآمدی بر پژوهش نظریه‌ی ادبی، ترجمه‌ی مجتبی ویسی. تهران: انتشارات سپیده سحر، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- وستلند، پیتر. شیوه‌های داستان‌نویسی، ترجمه‌ی محمدحسین تیم‌جانی. تهران: نشر مینا، ۱۳۷۱.

#### مقالات و پایان‌نامه‌ها:

- اکبری بیرق، حسن؛ قربانیان، مریم. «زمان روایی در رمان پیکر فرهاد». نشریه‌ی نقد ادبی، دوره‌ی ۵، شماره‌ی ۱۸، صص ۲۴-۷، ۱۳۹۱.
- برادران، ریحانه. «الگوهای پایان‌بندی در داستان‌های زویا پیرزاد». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، مشهد: دانشگاه فردوسی، سال ۱۳۹۶.
- بصیری، مریم. «نکاتی درباره‌ی قصه‌نویسی». مجله‌ی پیام زن، شماره‌ی ۸۸، تیر ۱۳۷۸.

بیضاوی، سوسن. «رمان نو چه می‌گوید». نشریه‌ی مدرس علوم انسانی، دوره‌ی ۵ شماره‌ی ۶ (پیاپی ۲۳)، صص ۳۰ - ۱۱، ۱۳۸۰.

پارسی فر، حسین؛ میلادی، فرشته؛ اسنقی، ندا. «مطالعه‌ی مؤلفه‌های مدرنیسم داستانی در سه رمان عباس معروفی سمفونی مردگان، سال بلوا و تماماً مخصوص». نشریه‌ی متن پژوهی ادبی (زبان و ادب پارسی)، دوره‌ی ۲۶، شماره‌ی ۹۲، صص ۲۲۲ - ۱۹۵، تیر ۱۴۰۱.

حسن‌زاده میرعلی، عبدالله؛ اکبری بیرق، حسن، زمانی، فاطمه. «روابط بینامتنیت رمان فریدون سه پسر داشت با داستان فریدون در شاهنامه». دو فصلنامه‌ی علوم ادبی، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۹، صص ۸۳-۵۵، خرداد ۱۳۸۵.

حیاتی، زهرا؛ نجاری، محمد. «نقد مقالات علمی - پژوهشی با موضوع بررسی متون ادبی از دیدگاه زمان روایی ژنت». نشریه‌ی نقد ادبی، شماره‌ی ۴۵، صص ۸۳ - ۳۷، بهار ۱۳۹۸.

دشتی آهنگر، مصطفی. «تحلیل ساختارگرایانه پیرنگ رمان‌هایی از چهار نویسنده زن». فصلنامه‌ی ادبیات پارسی معاصر، دوره‌ی ۱، شماره‌ی پیاپی ۱، صص ۶۰ - ۳۹، ۱۳۹۰.

رحیمیان پور، علی، رحیمیان پور، حمید. «زیبایی‌شناسی عناصر داستان، سبک و پیرنگ در آثار داستانی منیرو روانی پور». فصلنامه‌ی شعر و زبان معاصر، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۱، صص ۹۴ - ۸۵، تیر ۱۳۹۵.

رضاییگی، مریم؛ ایرانی، محمد؛ قربانیان، مریم. «بینامتنیت و دور باطل: دو مؤلفه پسانوگرا در رمان پیکر فرهاد عباس معروفی». نشریه‌ی نقد ادبی، دوره‌ی ۵، شماره‌ی ۲۰، صص ۱۴۲ - ۱۲۱، ۱۳۹۱.

ریزه وندی، سمیرا. «پایان‌بندی در رمان‌های پست‌مدرن فارسی». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه کردستان، ۱۳۹۱.

شوشتری، منصوره. «رنالسیسم جادویی، واقعیت خیال‌انگیز! آغاز رنالیسیسم جادویی»، نشریه‌ی هنر، شماره‌ی ۷۵، صص ۴۴-۳۲، ۱۳۷۸.

صادقی فسایی، سهیلا؛ عرفان منش، ایمان. «مبانی روش‌شناختی پژوهش اسنادی». فصلنامه‌ی راهبرد فرهنگ، دوره‌ی ۸، شماره‌ی ۲۹، صص ۹۱-۶۱، خرداد ۱۳۹۴.

صرمی، محمدرضا؛ عشقی، جعفر. «نمودهای مثبت آنیما در ادبیات فارسی». نشریه‌ی نقد ادبی، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۳، صص ۸۱ - ۵۹، پاییز ۱۳۸۷.



صفایی صابر، رضوان. «نقد و تحلیل پیوند درون‌مایه و شگرد در رمان نویسندگان شاخص دهه‌ی ۸۰». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه کردستان، ۱۳۹۵.

عادل زاده، پروانه؛ دریایی، مهدی؛ پاشایی فخری، کامران. «بررسی داستان کوتاه معصوم اول اثر هوشنگ گلشیری بر اساس مؤلفه‌های روایت‌شناسی ساختارگرای ژرار ژنت». نشریه‌ی پژوهش ادبیات معاصر جهان (پژوهش زبان‌های خارجی) دوره‌ی ۲۴، شماره‌ی ۲، صص ۵۲۱-۴۹۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۸.

عباسی، علی. «پژوهشی بر عنصر پیرنگ». نشریه‌ی پژوهش زبان‌های خارجی، شماره‌ی ۳۳، صص ۸۵-۱۰۳، ۱۳۸۵.

قاسمی‌پور، قدرت. «زمان و روایت». فصلنامه‌ی نقد ادبی، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۲، صص ۱۴۴-۱۲۳، ۱۳۸۷.

رضایی دشت ارژنه، محمود. «تحلیل فرمالیستی پیرنگ در داستان‌های کوتاه معاصر فارسی».

نشریه‌ی ادب پژوهی، دوره‌ی ۴، شماره‌ی ۱۳، صص ۸۳-۶۱، پاییز ۱۳۸۹.

گودرزی نژاد، آسیه. «شخصیت‌پردازی در رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم». دو فصلنامه‌ی ادبیات فارسی

(نشریه‌ی بهارستان سخن)، شماره‌ی ۱۴، صص ۱۷۲-۱۵۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.

مالمیر، تیمور؛ رضوان صفایی، صابر. «تحلیل تناسب شگردهای روایتگری با درون‌مایه در رمان چراغ‌ها را من

خاموش می‌کنم». دو فصلنامه‌ی ادبیات پارسی معاصر، دوره‌ی ۸، شماره‌ی پیاپی ۲۵، صص ۱۸۴-۱۶۵، دی

۱۳۹۷.

مجوزی، محمد؛ چاکری حکمی، کبری. «بررسی عنصر پیرنگ در رمان کولی کنار آتش». مجموعه‌ی مقاله‌های

دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادبی فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی، ۱۳۹۴.

محمودی، علیرضا؛ سرحدی‌قهری، فرشته. «بررسی ساختار روایی رمان پیکر فرهاد عباس معروفی از منظر جریان

سیال ذهن». فصلنامه‌ی ادبیات داستانی، سال ۲، شماره‌ی ۶، صص ۱۰۹-۸۷، خرداد ۱۳۹۳.

نگاری، فاطمه. «طرح در رمان مدرن». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۰.

## **Aesthetics of Plot element of Iranian novels of the eighties** **A case study in the selected works of Zoya Pirzad, Seyed Abbas Maroufi and** **Muniro Roufipour**

**Jalal Barari<sup>1</sup>, Mohammad Reza Asaad Ph.D<sup>2\*</sup>, Mohsen Izadyar Ph.D<sup>3</sup>**

### **Abstract**

Pirang's aesthetics is one of the most important and influential elements of the novel, along with the characterization. In this research, the aesthetics of the pirang element of selected novels by three contemporary authors (Syed Abbas Maroufi, Zoya Pirzad and Muniro Roufanipour) were analyzed based on its structure (beginning and ending of the story, conflict, unraveling, suspense, etc.) has taken. The important goal of this research is to compare the aesthetics and the extent of the use of literary techniques in the selected novels of the 80s. This research is a theoretical research that was conducted with a descriptive-analytical approach. In the descriptive section, information has been collected through documents, library and internet sources, and in the content analysis section, the aesthetics of the elements of selected novels have been carefully studied. By studying the aesthetics of the pirang element of selected novels and special emphasis on its structure, it has been concluded that the aesthetic of the pirang of the selected novels can be divided into five types: a) Complex pirang using literary techniques. b) Complex plot without using literary techniques. C) medium pirang. d) simple plot using literary techniques. e) A simple poem without using literary techniques. Based on this research, it can be claimed that the application of aesthetics in the plot of the novel "Pikar Farhad" has caused the creation of a complex plot using many literary techniques. In the novels "Melted" and "Feridon had three sons", the theme of complex novels is located without using literary techniques. "Gypsy novel by the fire" is a novel with an average plot. The novels "Totally special" and "I turn off the chickens" are novels with a simple plot using literary techniques, and finally, the novel "Adat-e-Kunme" has a simple plot but without the use of literary techniques.

**Keywords:** novel, plot, structure and aesthetics.

---

1. Ph.D student of Persian Language and Literature, Islamic Azad University of Arak, Iran.

Email: J.barari@gmail.com

2. Assistant Professor, Islamic Azad University, Arak Branch, Department of Persian Language and Literature, Arak, Iran. (Author)

Email asad.mohammadreza@yahoo.com

3. Assistant Professor, Islamic Azad University, Arak Branch, Department of Persian Language and Literature, Arak, Iran.

Email: izadyar.mohsen@yahoo.com